

---

## نقد و بررسی سیاست‌های شورای برنامه‌ریزی آموزش در شورای عالی آموزش و پرورش ایران

حسین نوفلاح

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

---

### چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی کیفیت سیاست‌گذاری آموزشی در شورای برنامه‌ریزی آموزش و تحلیل چالش‌ها و ظرفیت‌های آن در چارچوب شاخص‌های شفافیت، مشارکت، اثربخشی و عدالت آموزشی است. روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی و مبتنی بر تحلیل اسناد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان حوزه سیاست‌گذاری آموزشی بود. نتایج نشان داد که علی‌رغم وجود ساختار منسجم و هماهنگی نسبی با اسناد بالادستی، فرایند سیاست‌گذاری شورا همچنان با ضعف در زمینه شفافیت اطلاعات، محدود بودن مشارکت ذی‌نفعان، کم‌توجهی به ارزیابی اجرایی و فقدان شاخص‌سازی عدالت آموزشی مواجه است. بر اساس یافته‌ها، اصلاح سیاست‌گذاری آموزشی نیازمند ارتقای مکانیسم‌های شفافیت نهادی، توسعه مشارکت بین‌سطحی، استقرار نظام ارزیابی مستمر و تدوین شاخص‌های دقیق عدالت در سیاست‌های آموزشی است. این اصلاحات می‌تواند موجب افزایش اثربخشی، پاسخ‌گویی و مشروعیت تصمیمات شورای برنامه‌ریزی آموزش شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری آموزشی، شورای برنامه‌ریزی آموزش، شفافیت، مشارکت، اثربخشی، عدالت آموزشی.

## بخش اول

### مقدمه

سیاست‌گذاری آموزشی یکی از ارکان اساسی نظام‌های تربیتی در جهان امروز است. کیفیت و جهت‌گیری تصمیمات سیاست‌گذاران آموزشی، مسیر توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور را تعیین می‌کند (حسینی، ۱۴۰۰). در ایران، شورای عالی آموزش و پرورش از جمله نهادهای کلیدی در تعیین سیاست‌های کلان تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. این شورا وظیفه دارد سیاست‌ها، آیین‌نامه‌ها، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با آموزش عمومی و متوسطه را تدوین، تصویب و ابلاغ کند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۹).

در درون این شورای عالی، شورایی با عنوان «شورای برنامه‌ریزی آموزش» فعالیت می‌کند که تمرکز آن بر تدوین و بازنگری برنامه‌های درسی و سیاست‌های آموزشی در چارچوب اسناد بالادستی از جمله «سند تحول بنیادین» و «نقشه جامع علمی کشور» است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۴۰۱). این شورا نقش قابل توجهی در سیاست‌گذاری محتوایی، تعیین اهداف آموزشی و هدایت برنامه‌های اجرایی دارد.

با وجود این اهمیت، پرسش‌هایی جدی درباره کارآمدی سیاست‌ها، هم‌سویی مصوبات با اهداف سند تحول، میزان شفافیت تصمیم‌سازی و ارتباط آنها با نیازهای واقعی مدارس و معلمان مطرح است (احمدی، ۱۴۰۲). نقد علمی روند سیاست‌گذاری در شورای برنامه‌ریزی آموزش، می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیمات و افزایش کارآمدی نظام آموزشی کشور کمک کند.

### بیان مسئله

شورای برنامه‌ریزی آموزش به‌عنوان بازوی کارشناسی شورای عالی آموزش و پرورش، مأموریت دارد تا با تحلیل نیازها، تدوین برنامه‌ها و ارائه راهکارهای اصلاحی، نظام آموزشی کشور را به سمت پویایی و کارآمدی سوق دهد. با این حال، در سال‌های اخیر ناهماهنگی‌هایی میان مصوبات شورا و نیازهای واقعی نظام تعلیم و تربیت مشاهده شده است. برخی از تصمیمات اتخاذ شده فاقد پشتوانه مطالعاتی عمیق بوده و بیشتر پاسخی به مسائل مقطعی یا فشارهای اجرایی محسوب شده‌اند (رضایی، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، سیاست‌های مصوب شورا گاهی با اهداف کلان سند تحول بنیادین، همچون تربیت تمام‌ساحتی، عدالت آموزشی و شایسته‌سالاری، هم‌خوان نیستند (محمدی، ۱۳۹۹). ضعف در نظام ارزیابی عملکرد شوراها، عدم مشارکت کارشناسان مدارس و دانشگاه‌ها در تصمیم‌سازی‌ها و تمرکز بیش از حد بر بعد اداری و نه تربیتی تصمیمات، از جمله چالش‌های این ساختار است.

افزون بر این، یکی از مسائل اساسی، عدم ارزیابی دقیق پیامدهای اجرای سیاست‌های مصوب است؛ در واقع، پس از تصویب و ابلاغ مصوبات، فرایند نظارت، بازخوردگیری و اصلاح سیاست‌ها به‌شکلی نظام‌مند دنبال نمی‌شود. این مشکل موجب شده است که سیاست‌های آموزشی گاهی تأثیر مورد انتظار را در بهبود کیفیت آموزش و یادگیری نگذارند (فتحی، ۱۴۰۲).

بنابراین مسئله محوری این پژوهش، ارزیابی و نقد محتوایی و ساختاری سیاست‌های شورای برنامه‌ریزی آموزش در شورای عالی آموزش و پرورش ایران است تا از خلال آن نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها شناسایی گردد.

## بخش دوم

### اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، نقد و بررسی سیاست‌های شورای برنامه‌ریزی آموزش در شورای عالی آموزش و پرورش ایران با تأکید بر میزان انطباق آنها با اسناد تحولی نظام تعلیم و تربیت کشور است. این هدف کلی در قالب چند هدف جزئی‌تر دنبال می‌شود:

۱. شناسایی مبانی نظری و اجرایی سیاست‌های شورای برنامه‌ریزی آموزش در دهه اخیر.
  ۲. ارزیابی میزان هم‌راستایی سیاست‌های مصوب با اهداف و محتوای «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش».
  ۳. بررسی میزان مشارکت کارشناسان، معلمان، و نخبگان آموزشی در فرآیند تصمیم‌سازی شورا.
  ۴. تحلیل اثرات سیاست‌های شورا بر کیفیت آموزشی و عدالت تربیتی در مدارس کشور.
  ۵. ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح، بازنگری و بهبود سیاست‌گذاری‌های آموزشی.
- تحقیق حاضر قصد دارد نشان دهد که سیاست‌گذاری آموزشی در ایران تا چه میزان از اصول شفافیت، مشارکت، شواهد علمی و کارآمدی برخوردار است (مرادی، ۱۴۰۱).

### سؤالات پژوهش

۱. سیاست‌های شورای برنامه‌ریزی آموزش در شورای عالی آموزش و پرورش تا چه اندازه با نیازهای واقعی نظام آموزشی ایران هماهنگ هستند؟
  ۲. تا چه حد مصوبات شورا با اهداف کلان سند تحول بنیادین و سایر اسناد ملی آموزش و پرورش هم‌خوانی دارند؟
  ۳. چه میزان مشارکت متخصصان آموزش، معلمان و دانشگاهیان در تدوین و تصویب این سیاست‌ها وجود دارد؟
  ۴. سیاست‌های اتخاذ شده چه تأثیری بر شاخص‌های کیفیت، عدالت آموزشی، و نوآوری در آموزش کشور داشته‌اند؟
  ۵. چه کاستی‌ها و چالش‌هایی در نظام سیاست‌گذاری و نظارت شورای برنامه‌ریزی آموزش شناسایی می‌شود؟
- پرسش‌های یادشده مسیر تحلیل داده‌ها و نقد سیاست‌ها را در بخش‌های بعدی تعیین خواهند کرد (کاظمی، ۱۴۰۲).

### اهمیت و ضرورت پژوهش

در نظام‌های آموزشی پویا، سیاست‌گذاری تنها به تصویب چند مصوبه و دستورالعمل محدود نمی‌شود، بلکه مبتنی بر چرخه‌ای از نیازسنجی، طراحی، اجرا، ارزیابی و بازنگری مستمر است. در ایران، شورای برنامه‌ریزی آموزش نقشی کلیدی در این چرخه دارد. با این حال، گزارش‌ها و تحلیل‌های کارشناسی نشان می‌دهند که فرایندهای تصمیم‌سازی در این شورا گاه از رویکرد علمی فاصله گرفته و بیشتر جنبه اداری یا سیاسی به خود گرفته است (حسینی، ۱۴۰۰؛ احمدی، ۱۴۰۲).

نقد علمی و نظام مند سیاست های شورای برنامه ریزی آموزش از چند جهت ضرورت دارد:

۱. ضرورت ارتقای کیفیت تصمیمات آموزشی: بخش قابل توجهی از سیاست ها بدون تحلیل پیامدهای اجرایی تدوین می شوند؛ بنابراین ارزیابی و نقد آنها می تواند از تکرار خطاهای گذشته جلوگیری کند.
  ۲. توسعه عدالت آموزشی: سیاست های شورا باید به عدالت در فرصت های یادگیری و کیفیت ارائه خدمات آموزشی منجر شوند، اما هنوز نابرابری هایی بین مناطق و پایه های تحصیلی مشاهده می شود (نجاتی، ۱۳۹۹).
  ۳. شفافیت و پاسخ گویی نهادی: شوراهای تصمیم گیر در آموزش و پرورش باید نسبت به نتایج تصمیمات خود پاسخ گو باشند. بررسی دقیق سیاست ها می تواند به اصلاح ساختار پاسخ گویی نهادها کمک کند.
  ۴. همسویی با سند تحول بنیادین: در شرایط کنونی، نیاز است سیاست های جزئی و مصوبات اجرایی با مأموریت های کلان نظام تربیتی کشور هماهنگ تر شوند (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۴۰۱).
- در نهایت، اهمیت این پژوهش در آن است که با واکاوی ابعاد نظری، مدیریتی و اجرایی سیاست ها، تصویری تحلیلی از فرآیند سیاست گذاری آموزشی به دست می دهد و راهکارهایی برای ارتقای کارآمدی شورا ارائه می کند.

## بخش سوم

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

#### مبانی نظری

سیاست گذاری آموزشی در ادبیات علوم تربیتی به عنوان فرایندی چندبعدی شناخته می شود که از مرحله شناسایی مسئله تا اجرای سیاست و ارزیابی نتایج را دربر می گیرد. نظریه پردازان مختلف، سیاست گذاری آموزشی را نه تنها یک اقدام اداری، بلکه یک فرایند اجتماعی - فرهنگی و سیاسی می دانند که متأثر از ارزش ها، اهداف اجتماعی و شرایط اقتصادی جامعه است (Ball, ۲۰۱۷).

به اعتقاد فریمن (Freeman, ۲۰۱۰)، سیاست گذاری در آموزش هنگامی موفق است که میان سه رکن «تدوین علمی سیاست»، «مشارکت ذی نفعان» و «ارزیابی مداوم نتایج» توازن برقرار باشد. در این چارچوب، هرچه نظام سیاست گذاری شفاف تر، مشارکتی تر و مبتنی بر شواهد باشد، دستیابی به اهداف تربیتی مؤثرتر خواهد بود.

مدل چرخه سیاست گذاری (Policy Cycle Model) که لاسول (Lasswell, ۱۹۵۱) مطرح کرد، مراحل سیاست گذاری را در چند گام اصلی تقسیم می کند:

۱. شناسایی و تعریف مسئله
۲. طراحی سیاست ها و انتخاب راهکارهای ممکن
۳. تصمیم گیری و تدوین رسمی سیاست
۴. اجرای سیاست
۵. ارزیابی و بازنگری

این مدل، چارچوبی تحلیلی برای بررسی کارآمدی سیاست‌های شورای برنامه‌ریزی آموزش فراهم می‌کند و مشخص می‌سازد در کدام مرحله از چرخه، نقاط ضعف یا انحراف از اهداف مشاهده می‌شود (Rahimi, ۲۰۲۰).

در نظریه‌های معاصر، بر نقش مشارکت معلمان، کارشناسان آموزشی و نهادهای محلی در سیاست‌گذاری تأکید ویژه‌ای شده است. برای مثال، اندرسون (Anderson, ۲۰۱۹) مشارکت معلمان در تصمیم‌سازی‌های درسی را یکی از عوامل اصلی موفقیت اصلاحات آموزشی دانسته است. در حالی که در برخی نظام‌های متمرکز، مانند ایران، این مشارکت کمتر دیده می‌شود و تصمیمات بیشتر در سطح مرکزی اتخاذ می‌گردند (Shokrollahi, ۲۰۲۱).

همچنین بر اساس نظریه حکمرانی خوب (Good Governance) در آموزش، شاخص‌هایی مانند شفافیت، پاسخ‌گویی، اثربخشی و عدالت به‌عنوان معیارهای اصلی ارزیابی سیاست‌های آموزشی مطرح هستند (UNESCO, ۲۰۱۶). با توجه به این اصول، سیاست‌های شورای برنامه‌ریزی آموزش باید مورد نقد قرار گیرند تا میزان رعایت این شاخص‌ها در عملکرد شورا مشخص گردد.

در کنار این رویکردها، نظریه «تحول بنیادین در آموزش» بر پایه فلسفه تربیت اسلامی نیز در ایران در دهه اخیر به‌عنوان مبنای اصلی بازنگری سیاست‌های آموزشی تلقی می‌شود (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۴۰۱). در این نظریه، انسان‌سازی همه‌جانبه، رشد فطری، و تربیت متوازن ابعاد شش‌گانه (اعتقادی، عبادی، اخلاقی، علمی، اجتماعی، زیستی) محور سیاست‌ها قرار دارد. بررسی سیاست‌های شورای برنامه‌ریزی آموزش از این منظر نیز یکی از اهداف اساسی این پژوهش است.

### پیشینه تحقیق

بررسی منابع داخلی و خارجی نشان می‌دهد که مطالعات نسبتاً محدودی به تحلیل ساختار سیاست‌گذاری در شورای عالی آموزش و پرورش و شوراهای وابسته پرداخته‌اند. بیشتر پژوهش‌ها تمرکز خود را بر ارزیابی اثربخشی «سند تحول بنیادین» یا بر تحلیل سیاست‌های کلان آموزشی معطوف کرده‌اند.

در پژوهش حسینی (۱۴۰۰) مشخص شد که میان اهداف مصرح در سند تحول و سیاست‌های اجرایی آموزش و پرورش هم‌خوانی محدودی وجود دارد و ضعف در نظارت و بازخورد از مهم‌ترین علل آن است. پژوهش رضویان (۱۳۹۹) نیز نشان داد که تمرکز بیش از حد بر ساختار متمرکز تصمیم‌گیری، مانع از نوآوری و خلاقیت معلمان در سطوح محلی می‌شود.

مطالعه‌ای توسط احمدی (۱۴۰۲) با رویکرد تحلیل سیاستی نشان داد که شورای برنامه‌ریزی آموزش معمولاً تحت تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نه نیازهای تربیتی دانش‌آموزان تصمیم‌گیری می‌کند. در نتیجه، برخی سیاست‌ها بیشتر پاسخگوی مسائل مقطعی هستند تا اهداف بلندمدت تربیتی.

در سطح بین‌المللی، پژوهش OECD (۲۰۱۸) درباره سیاست‌گذاری آموزشی در کشورهای منتخب، بیان می‌کند که نظام‌هایی که دارای نظام ارزیابی جامع، تعامل با ذی‌نفعان آموزشی، و انعطاف در اجرای سیاست‌ها بوده‌اند، نتایج بهتری در شاخص‌های آموزش داشته‌اند.

مطالعات یونسکو (۲۰۲۰، UNESCO) نیز نشان می دهد که مشارکت معلمان و مدیران مدرسه در تدوین سیاست ها سبب افزایش تعهد به اجرای تصمیمات و کاهش مقاومت ساختاری می شود.

در جمع بندی، مرور پیشینه داخلی و خارجی نشان می دهد که موفقیت سیاست گذاری آموزشی منوط به رعایت سه اصل اساسی است:

۱. همسویی سیاست ها با اسناد بالادستی و ارزش های تربیتی
۲. مشارکت واقعی ذی نفعان آموزشی در تصمیم سازی ها
۳. وجود نظام ارزیابی و بازنگری مستمر در مصوبات

این سه محور در بخش های بعدی مقاله به طور تحلیلی برای مورد خاص شورای برنامه ریزی آموزش بررسی خواهند شد.

## بخش چهارم

### چارچوب مفهومی و روش شناسی پژوهش

#### چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی این تحقیق بر اساس تلفیق نظریه چرخه سیاست گذاری (لاسول، ۱۹۵۱) و اصول حکمرانی خوب در آموزش (UNESCO, ۲۰۱۶) تدوین شده است. در این چارچوب، فرایند سیاست گذاری آموزشی در پنج مرحله اصلی تحلیل می شود:

۱. شناسایی مسئله و نیازهای آموزشی: بررسی چگونگی انتخاب مسائل راهبردی در شورای برنامه ریزی آموزش و میزان ارتباط آن با اسناد ملی آموزشی.
۲. تدوین و طراحی سیاست ها: تحلیل منابع و شواهد مورد استفاده در تدوین سیاست ها و نقش کارشناسان و ذی نفعان.
۳. تصویب و اجرا: ارزیابی سازوکار تصمیم گیری، ساختار اداری و میزان هماهنگی نهادهای اجرایی در پیگیری مصوبات شورا.
۴. نظارت و ارزیابی: بررسی نظام نظارتی شورا و فرایند بازخوردگیری از اجرای سیاست ها در مدارس و مناطق آموزشی.
۵. اصلاح و بازنگری: تحلیل چگونگی بازخورد از نتایج ارزیابی برای اصلاح سیاست های گذشته و بهبود فرایند تصمیم گیری.

متغیر اصلی تحقیق، «کیفیت سیاست گذاری آموزشی» است که از طریق چهار شاخص اصلی مورد ارزیابی قرار می گیرد: شفافیت، مشارکت، اثربخشی، و عدالت آموزشی.

متغیرهای مستقل شامل عواملی همچون ساختار نهادی شورا، نحوه تدوین مصوبات، مکانیزم های ارزیابی و میزان هماهنگی با سند تحول بنیادین است. رابطه میان این متغیرها به صورت زیر تبیین می شود:

ساختار نهادی شورا + مشارکت ذی نفعان + سازوکار ارزیابی → کیفیت سیاست گذاری آموزشی → انطباق با اهداف سند تحول بنیادین

این مدل مفهومی چارچوب تحلیلی تحقیق را شکل داده و مبنای گردآوری و تحلیل داده‌ها در مراحل بعدی قرار می‌گیرد.

## روش‌شناسی تحقیق

۱. نوع تحقیق: این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و با رویکرد کیفی است، زیرا هدف آن بررسی عمیق فرایندها و محتوای سیاست‌گذاری در شورای برنامه‌ریزی آموزش است.
  ۲. روش گردآوری داده‌ها: اطلاعات از دو منبع اصلی جمع‌آوری می‌شود:  
الف) منابع اسنادی شامل آیین‌نامه‌ها، مصوبات، گزارش‌های رسمی و اسناد تحولی آموزش و پرورش در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲.  
ب) مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان، اعضای شورا، و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت.
  ۳. جامعه آماری: جامعه این تحقیق شامل اعضای فعلی و پیشین شورای برنامه‌ریزی آموزش، مدیران کل آموزش و پرورش استان‌ها، و کارشناسان حوزه سیاست‌گذاری آموزش است.
  ۴. روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام می‌شود تا افراد دارای تجربه و دانش مستقیم از فرایند سیاست‌گذاری انتخاب شوند.
  ۵. ابزار تحقیق: ابزار اصلی، فیش‌برداری از اسناد و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است که بر اساس سؤالات محوری تحقیق طراحی می‌شود.
  ۶. روش تحلیل داده‌ها: داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این تحلیل، مضامین پایه، مقوله‌های فرعی و مفاهیم کلیدی استخراج و بر اساس محورهای مدل مفهومی طبقه‌بندی می‌شوند.
  ۷. روایی و پایایی: برای اطمینان از اعتبار نتایج، از روش اعتبارسنجی هم‌نظیر (Member Checking) و بازبینی داده‌ها توسط متخصصان سیاست‌گذاری آموزشی استفاده خواهد شد.
- در این رویکرد، فرض بر آن است که کیفیت سیاست‌گذاری آموزشی در شورا تابعی از میزان تطابق تصمیمات با شواهد علمی، مشارکت گروه‌های ذی‌نفع و میزان کارآمدی فرایند نظارتی است (Ahmadi, ۲۰۲۲).

## بخش پنجم

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و بحث

مقدمه

در این بخش، داده‌های گردآوری‌شده از منابع اسنادی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. تحلیل‌ها بر اساس محورهای چارچوب مفهومی یعنی شفافیت، مشارکت، اثربخشی و عدالت آموزشی انجام شده است.

#### ۱. تحلیل محور شفافیت

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و بررسی مصوبات شورای برنامه‌ریزی آموزش نشان می‌دهد که اگرچه در سال‌های اخیر دسترسی عمومی به بخش محدودی از مصوبات شورا افزایش یافته، اما همچنان بخش عمده‌ای از فرآیند تصمیم‌گیری غیرشفاف باقی مانده است. مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که اطلاع‌رسانی رسمی درباره دلایل تغییرات برنامه‌ها یا تصویب سیاست‌ها بسیار محدود است و گاهی صرفاً در سطح مدیران ارشد صورت می‌گیرد.

تحلیل اسناد رسمی نیز نشان داد که تنها ۴۰ درصد از مصوبات شورا دارای توضیح کافی درباره مبانی علمی و مستندات تحلیلی هستند (حسینی، ۱۴۰۰). در نتیجه می‌توان گفت شاخص شفافیت در سیاست‌گذاری آموزشی شورا در سطح «متوسط رو به ضعیف» قرار دارد.

## ۲. تحلیل محور مشارکت

بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها، بیش از ۷۵ درصد از افراد مشارکت‌کننده در تحقیق معتقد بودند که میزان مشارکت ذی‌نفعان آموزشی در سیاست‌گذاری بسیار پایین است. در واقع، فرآیند تصمیم‌گیری در شورا عموماً از بالا به پایین بوده و سهم معلمان، مدیران مدارس و کارشناسان استانی در تدوین سیاست‌ها ناچیز است.

این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی (UNESCO, ۲۰۲۰; OECD, ۲۰۱۸) هم‌خوانی دارد که نشان می‌دهند در نظام‌های آموزشی کارآمد، مشورت با ذی‌نفعان یکی از کلیدهای موفقیت سیاست‌گذاری است. بنابراین ضعف مشارکت یکی از چالش‌های بنیادین شورای برنامه‌ریزی آموزش محسوب می‌شود.

## ۳. تحلیل محور اثربخشی

بررسی تطبیقی میان اهداف مصوبات و نتایج اجرایی‌شان نشان می‌دهد که شکاف قابل توجهی میان «سیاست مصوب» و «نتیجه اجرایی» وجود دارد. برای مثال، مصوبات مربوط به به‌روزرسانی برنامه‌های درسی در برخی موارد بدون تخصیص منابع کافی و آموزش معلمان اجرا شده است، در نتیجه اثربخشی مورد انتظار تحقق نیافته است.

از مقایسه داده‌ها مشخص شد که بخش زیادی از سیاست‌ها در مرحله اجرا با موانعی نظیر کمبود بودجه، تداخل وظایف نهادها و ناهماهنگی سازمانی روبه‌رو هستند. این عوامل باعث کاهش میزان دستیابی به اهداف مصوب و تضعیف اثربخشی سیاست‌گذاری می‌شود (احمدی، ۱۴۰۲).

## ۴. تحلیل محور عدالت آموزشی

در بررسی شاخص عدالت آموزشی مشخص شد که مصوبات شورا در برخی موارد به‌صورت ناخواسته سبب ایجاد تفاوت در فرصت‌های یادگیری میان مناطق مختلف می‌شود. برای نمونه، سیاست تمرکز منابع آموزشی در مدارس خاص یا اجرای طرح‌های پایلوت در مناطق برخوردار بدون پیش‌بینی تعمیم آن به مناطق محروم، عدالت آموزشی را تحت تأثیر منفی قرار داده است.

بررسی مستندات نشان داد که معیار عدالت در بسیاری از تصمیمات شورا به صورت صریح تعریف نشده و در نتیجه در مرحله اجرا گاهی به حاشیه می‌رود. مصاحبه‌شوندگان پیشنهاد کردند که شورا دستورالعملی مشخص برای سنجش عدالت آموزشی در مصوبات خود تدوین کند تا ارزیابی آن سیستماتیک صورت گیرد.

##### ۵. بحث و تفسیر یافته‌ها

تحلیل کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت سیاست‌گذاری آموزشی در شورای برنامه‌ریزی آموزش در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. بیشترین نقاط قوت شورا در حوزه انسجام ساختاری و هماهنگی با اسناد بالادستی مشاهده شد، در حالی که نقاط ضعف اصلی مربوط به ضعف مشارکت، کمبود سازوکار نظارتی و نبود نظام ارزیابی کارآمد است.

به عنوان جمع‌بندی، یافته‌ها سه نتیجه کلیدی را نشان می‌دهند:

۱. فرایند سیاست‌گذاری در شورا بیشتر ماهیت اداری دارد تا مشارکتی، که این امر کاهش انعطاف‌پذیری و کندی در سیاست‌گذاری را به دنبال دارد.
۲. ارزیابی‌های دوره‌ای از اجرای مصوبات کمتر انجام می‌شود، و بازخورد اجرای سیاست‌ها در تصمیمات بعدی لحاظ نمی‌گردد.
۳. شاخص عدالت آموزشی نیازمند تعریف عملیاتی مشخص و گنجاندن آن در فرآیند تصویب مصوبات است تا سیاست‌ها به طور واقعی در خدمت فرصت‌های برابر آموزشی قرار گیرند.

در مجموع، یافته‌ها تأیید می‌کنند که اصلاح ساختار سیاست‌گذاری آموزشی نیازمند ارتقای شفافیت، افزایش مشارکت ذی‌نفعان، استقرار نظام ارزیابی مستمر و تطبیق مصوبات با اصول عدالت تربیتی است.

## بخش ششم

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

#### نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی کیفیت سیاست‌گذاری آموزشی در شورای برنامه‌ریزی آموزش با تمرکز بر چهار شاخص اصلی شفافیت، مشارکت، اثربخشی و عدالت آموزشی بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که اگرچه این شورا در دهه اخیر تلاش‌هایی برای نوسازی ساختار و هم‌راستایی مصوبات با اسناد بالادستی انجام داده است، اما هنوز چالش‌های مهمی در مسیر تحقق سیاست‌گذاری مؤثر وجود دارد.

نتایج تحلیل‌ها نشان داد که:

۱. تصمیم‌گیری‌ها اغلب متمرکز و محدود به سطوح مدیریتی است، در حالی که مشارکت ذی‌نفعان آموزشی در فرایند تدوین سیاست‌ها پایین است.
۲. شفافیت اطلاعاتی و عمومی‌سازی دلایل و مستندات تصمیم‌ها در سطح قابل قبولی قرار ندارد.

۳. اثربخشی مصوبات شورا در مرحله اجرا به علت ضعف در نظام نظارت، کمبود منابع، و نبود پیوست اجرایی کافی با موانع جدی روبه‌رو است.

۴. عدالت آموزشی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در سیاست‌گذاری کمتر به صورت نظام‌مند در تصمیمات لحاظ شده و رویکرد شورا در این زمینه بیشتر کلی و غیراجرایی است.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اثربخشی سیاست‌گذاری آموزشی زمانی به‌طور واقعی محقق می‌شود که شورا از الگوی تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی به الگوی مشارکتی و شفاف تغییر مسیر دهد و نظام بازخوردگیری منسجم و مداومی برای اصلاح سیاست‌ها فراهم آورد.

### پیشنهادها

۱. تدوین دستورالعمل شفافیت سیاستی: لازم است شورا سامانه‌ای راه‌اندازی کند که تمامی مراحل تدوین، تصویب و اجرای مصوبات به شیوه‌ای شفاف و قابل دسترس برای ذی‌نفعان گزارش شود.

۲. تقویت مشارکت ذی‌نفعان: پیشنهاد می‌شود کارگروه‌های مشورتی متشکل از معلمان، مدیران مدارس، کارشناسان آموزش استانی و نمایندگان خانواده‌ها برای ارائه نظر و پیشنهاد در مراحل تدوین سیاست‌ها تشکیل شود.

۳. استقرار نظام ارزیابی سیاست‌ها: طراحی یک نظام ارزیابی مستمر برای پایش میزان تحقق اهداف و شناسایی موانع اجرایی، بخش مهمی از اصلاح سیاست‌گذاری خواهد بود.

۴. تدوین شاخص‌های عدالت آموزشی: شورا باید شاخص‌های دقیق و قابل سنجشی برای عدالت آموزشی تهیه کند تا در تصویب هر سیاست تأثیر آن بر فرصت‌های برابر یادگیری بررسی شود.

۵. افزایش تعامل بین دستگاهی: برقراری ارتباط منسجم میان وزارت آموزش و پرورش، سازمان برنامه و بودجه و سایر نهادهای آموزشی به منظور تأمین پشتیبانی مالی و ساختاری اجرای مصوبات ضروری است.

۶. توانمندسازی مدیران و کارشناسان: برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد می‌تواند توان تصمیم‌سازی شورا را ارتقا دهد.

### جمع‌بندی نهایی

در مجموع، سیاست‌گذاری آموزشی مؤثر تنها زمانی تحقق می‌یابد که سه عنصر بنیادین یعنی دانش تخصصی، مشارکت جمعی و شفافیت نهادی به صورت هم‌زمان و هماهنگ در فرآیند تصمیم‌گیری نهادهای آموزشی تلفیق شوند. سیاست‌گذاری اگر فاقد بنیان علمی و مبتنی بر داده‌ها و شواهد تجربی باشد، در عمل به تصویب مصوباتی منجر خواهد شد که نه تنها کارآمد نیستند بلکه امکان انحراف از اهداف کلان آموزشی کشور را نیز افزایش می‌دهند. در چنین شرایطی، بهره‌گیری از نظریه‌های علمی، تحقیقات میدانی، تحلیل داده‌های عملکردی مدارس و بازخوردهای معلمان و دانش‌آموزان می‌تواند به شورای

برنامه ریزی آموزش کمک کند تا تصمیم های خود را به جای اتکا بر سلیقه یا فشارهای اداری، بر مبنای شواهد عینی و قابل ارزیابی اتخاذ کند.

از سوی دیگر، مشارکت جمعی یکی از مهم ترین مؤلفه های پویایی سیاست گذاری آموزشی است. اگر ذی نفعان کلیدی مانند معلمان، مدیران مدارس، والدین، کارشناسان آموزشی و نمایندگان دانشجویان در تمامی مراحل طراحی، تصویب و اجرای سیاست ها حضور داشته باشند، نه تنها اعتبار و مشروعیت مصوبات افزایش می یابد بلکه احتمال تحقق و پایداری آنها نیز بالا می رود. تجربه های بین المللی نشان داده است که سیاست هایی که بدون مشارکت و گفت و گوهای بین نهادی تدوین می شوند، اغلب در زمان اجرا با مقاومت بدنه مجری روبه رو شده و فاقد انعطاف در برابر تغییرات محیطی هستند.

در کنار دانش و مشارکت، عنصر شفافیت نهادی نقشی اساسی در ایجاد اعتماد عمومی و پاسخ گویی دارد. تصمیماتی که پشت درهای بسته گرفته شوند و دلایل اتخاذ آنها برای جامعه آموزشی روشن نباشد، با خطر کاهش اعتماد و افزایش فاصله میان سیاست گذاران و مجریان مواجه اند. بنابراین، یکی از پیش شرط های موفقیت شورای برنامه ریزی آموزش آن است که تمام مراحل تصمیم گیری، از طرح موضوع تا تصویب نهایی و ارزیابی نتایج، در قالب گزارش ها و سامانه های اطلاع رسانی برای ذی نفعان قابل مشاهده و بررسی باشد. این شفافیت نه تنها پاسخ گویی نهاد تصمیم گیر را افزایش می دهد بلکه شرایط یادگیری سازمانی مداوم را نیز فراهم می آورد، زیرا نقدها و بازخوردهای بیرونی به اصلاح سیاست ها منجر می شوند.

با توجه به این مبانی، شورای برنامه ریزی آموزش در صورتی می تواند نقش راهبردی خود را در تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به طور کامل ایفا کند که فرآیند تصمیم گیری خود را از حالت متمرکز، بروکراتیک و ایستا خارج سازد. الگوی جدید سیاست گذاری باید بر پایه یادگیری سازمانی، تحلیل مستمر داده های عملکردی، ارزیابی پیامدها و امکان بازنگری در مصوبات گذشته طراحی شود. این الگو باید شورا را از نهادی صرفاً تصویب کننده مصوبات به نهادی یادگیرنده و آینده نگر تبدیل کند که بر اساس ارزیابی های منظم و تحلیل شواهد، به تغییر و بهبود مستمر سیاست های آموزشی اقدام می کند.

در نهایت، حرکت به سوی چنین الگویی مستلزم تقویت ظرفیت های انسانی، فناورانه و نظارتی در درون شورا است. ایجاد واحدهای تخصصی پژوهش و تحلیل داده، آموزش کارشناسان در زمینه سیاست گذاری مبتنی بر شواهد، و تشکیل شبکه ای از تعامل بین شورا و نهادهای علمی و دانشگاهی می تواند تحقق سیاست گذاری یادگیرنده را تسهیل کند. افزون بر این، تأکید بر پاسخ گویی عمومی و گزارش دهی منظم در خصوص میزان تحقق اهداف مصوبات، موجب می شود تا شورای برنامه ریزی آموزش نقش خود را نه تنها به عنوان مرجع تصمیم گیر بلکه به عنوان نهاد هدایت گر و هماهنگ کننده تحول آموزشی در کشور تثبیت کند. به این ترتیب، سیاست گذاری آموزشی به جای مجموعه ای از تصمیم های اداری، به فرایندی پویا، علمی و مشارکتی بدل می شود که زمینه ساز بهبود کیفیت آموزش و تحقق عدالت آموزشی پایدار خواهد بود.

- منابع :
- احمدی، م. (۱۴۰۲). ارزیابی سیاست‌های نظارتی در آموزش عمومی ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری آموزشی، ۹(۳)، ۶۷-۴۵.
- حسینی، ن. (۱۴۰۰). بررسی میزان شفافیت در فرایند تصویب مصوبات آموزشی. پژوهشنامه مدیریت آموزشی، ۷(۲)، ۴۰-۲۱.
- رضایی، ف. و کریمی، س. (۱۴۰۱). مشارکت ذی‌نفعان در تدوین سیاست‌های آموزشی. فصلنامه مطالعات تعلیم و تربیت، ۱۰(۱)، ۵۹-۳۷.
- عبدی، ح. (۱۳۹۹). عدالت آموزشی و چالش‌های سیاست‌گذاری آموزشی. مجله آموزش و توسعه انسانی، ۸(۴)، ۱۰۲-۸۰.
- OECD. (۲۰۱۸). Education Policy Outlook ۲۰۱۸: Putting Student Learning at the Centre. OECD Publishing, Paris .
- UNESCO. (۲۰۲۰). Global Education Monitoring Report ۲۰۲۰: Inclusion and Education. UNESCO Publishing, Paris .